

بحثی پیرامون موضوع اقامتگاه و اهمیت آن در اسناد رسمی

مهدی باقری نسامی^۱

یکی از موضوعاتی که در حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل واجد اهمیت به‌سزایی می‌باشد موضوع اقامتگاه است. قطعاً پرداختن به مبحث اقامتگاه و توضیح و تفسیر آن می‌تواند ما را به اهمیت و تبیین هر چه بهتر جایگاه آن در اسناد رسمی نیز، واقف نماید؛ ضمن اینکه تأثیر اقامتگاه در مواردی از قبیل محل اقامه دعوی علیه خواننده، صلاحیت محاکم حقوقی، محل ابلاغ اظهارها و احکام قضایی نیز غیر قابل انکار است.

اقامتگاه به عنوان یک اصطلاح حقوقی به معنای محل سکونت شخص و مرکز مهم امور او می‌باشد. اصطلاحی که در زبان فرانسه برای اقامتگاه به کار می‌رود، domicile از واژه لاتین domicilium رومی باشد.

مواد ۱۰۰۲ تا ۱۰۱۰ قانون مدنی ایران از حقوق رومی - ژرمنی علی‌الخصوص قانون مدنی کشور فرانسه اقتباس شده است.

«... البته از نظر نویسندگان قانون مدنی فرانسه، ایده حقوقی اقامتگاه با محل سکونت

۱. سردفتر اسناد رسمی ۶۷۳ تهران و عضو هیئت تحریریه مجله کانون.

تفاوت دارد. اقامتگاه مرکز قانونی هر شخص است، مکانی که شخص از نظر قانونی در آنجا استقرار یافته است. لیکن مسکن مکانی است که شخص عادتاً در آنجا زندگی می‌کند و منزل در زبان جاری محلی است که فرد در آن جا موقتاً حضور دارد. در بسیاری از موارد مفهوم اقامتگاه و محل سکونت بر هم منطبق نمی‌باشند. «این در حالی است که حقوق‌دانان جدید فرانسوی تمایل وافری به نزدیک کردن این دو مفهوم در دنیای حقوقی دارند.»^۱

طبق ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی، اقامتگاه هر شخص عبارت از محلی است که شخص در آن جا سکونت داشته و مرکز مهم امور او نیز در آن جا باشد. اگر محل سکونت شخصی غیر از مرکز مهم امور او باشد، مرکز امور او اقامتگاه محسوب است. به عبارت دیگر «مسکن» مرکز زندگی مادی و سکنای هر شخص است در حالی که «اقامتگاه» ناظر به مرکز زندگی حقوقی هر فرد است. هیچ کس نمی‌تواند بیش از یک اقامتگاه داشته باشد. (ماده ۱۰۰۳ قانون مدنی) در حالی که می‌تواند دارای چند مسکن باشد.

نخستین بار اقامتگاه در «قانون موقت اصول محاکمات حقوقی» مصوب ۱۲۹۰ شمسی که بعداً منسوخ گردید به عنوان معیاری در تعیین صلاحیت‌های محلی دادگاه‌ها شناخته شد. پس از آن در ماده ۱ از «قانون راجع به ثبت شرکت‌ها» مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱ تصریح شد. «برای آنکه شرکتی تبعه ایران تلقی شود، باید مرکز اصلی آن در ایران باشد».

در قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شمسی در ماده ۵۹۰ به تعریف اقامتگاه اشخاص حقوقی و در ماده ۵۹۱ به تعیین اقامتگاه به عنوان ملاک تعیین تابعیت آنها تصریح شد.^۲ نقطه عطف تحول این مفهوم در حقوق ایران تصویب کتاب چهارم از جلد دوم قانون

۱. غمامی، *مجله قانون*، شماره ۵۳.

۲. ماده ۵۹۰ قانون تجارت: اقامتگاه شخص حقوقی محلی است که اداره شخص حقوقی در آن جا است. و ماده ۵۹۱ قانون تجارت: اشخاص حقوقی تابعیت مملکتی را دارند که اقامتگاه آن‌ها در آن مملکت است.

مدنی در سال ۱۳۱۳ است که در آن قانون گذار ۹ ماده را به این موضوع اختصاص داد. ماده ۱۰۰۲ به تعریف اقامتگاه اشخاص حقیقی و حقوقی و ماده ۱۰۰۳ به بیان اصل وحدت اقامتگاه و ماده ۱۰۰۴ به مسئله تغییر اقامتگاه و اقامتگاه اختیاری اختصاص دارد و قانون گذار در مواد ۱۰۰۵ تا ۱۰۱۰ به بیان انواع دیگر اقامتگاه یعنی اجباری و قراردادی پرداخته است.

قانون گذار در تصویب ماده ۱۰۰۳ از قانون مدنی سوئیس و در تصویب ماده ۱۰۰۸ از قانون مدنی آلمان و در تصویب بقیه مواد قانون مدنی از قانون مدنی فرانسه استفاده کرده است.^۱

چند سال پس از قانون مدنی در قانون آئین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ شمسی، و قانون امور حسبی مصوب ۱۳۱۹ شمسی، به بیان نقش و آثار اقامتگاه در حقوق داخلی پرداخته شد که مهم ترین آنها نقش اقامتگاه در تعیین صلاحیت دادگاهها، ابلاغ اوراق قضایی و مواعد قانونی در آئین دادرسی است.

در حقوق ایران سه نوع اقامتگاه پیش بینی شده است: اختیاری، اجباری و انتخابی.

۱- اقامتگاه اختیاری یا حقیقی: این اقامتگاه محلی است که فرد در آن سکونت دارد و مرکز مهم امور اوست. در صورتی که محل سکونای شخص غیر از مرکز مهم امور او باشد، این مرکز، اقامتگاه اختیاری یا حقیقی وی به شمار می آید.^۲

طبق اصل ۳۳ قانون اساسی هیچ کس را نمی توان از محل اقامت خود تبعید کرد یا از اقامت در محل مورد علاقه اش ممنوع یا به اقامت در محلی مجبور ساخت، مگر در مواردی که قانون مقرر می دارد.

اقامتگاه اجباری: این اقامتگاه به محلی گفته می شود که بر حسب قانون برای برخی از اشخاص با توجه به شغل و مقام ایشان، یا به لحاظ ارتباط آنان با اشخاص دیگر تعیین

۱. محقق داماد، سید مصطفی، *دانشنامه تخصصی حقوقی*.

۲. امامی، دکتر سید حسن، *حقوق مدنی*.

می‌شود؛ مانند اقامتگاه زن شوهردار در ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی و اقامتگاه سفیه و صغیر و مجنون در ماده ۱۰۰۶ قانون مدنی و ...

اقامتگاه انتخابی یا قراردادی: طبق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی، این نوع اقامتگاه محلی است که طرفین معامله برای اجرای تعهدات یا دعاوی ناشی از قرارداد یا ابلاغ اوراق دادرسی مربوط به آن انتخاب می‌کنند.

در خصوص اقامتگاه شخص حقوقی نیز ماده ۵۹۰ قانون تجارت تصریح دارد که «اقامتگاه شخص حقوقی، محلی است که اداره شخص حقوقی در آن جا است.» در حالی که قسمت اخیر ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «... اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنها خواهد بود» ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی نیز دعاوی مربوط به اصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکا و اختلافات بین شرکا و همچنین دعاوی اشخاص خارج بر شرکت را در دادگاهی قابل اقامه می‌داند که مرکز اصلی شرکت در حوزه آن واقع است، آنچه مسلم است قانون آئین دادرسی در مقام معرفی اقامتگاه شرکت‌ها نیست، بلکه صلاحیت محلی دادگاه‌ها را نسبت به بعضی از دعاوی راجع به شرکت بیان می‌کند و در تعیین این صلاحیت، گاه دادگاه صالح را دادگاه واقع در محل اداره شرکت معرفی می‌کند^۱ و گاه دادگاه واقع در محل وقوع تعهد و یا دادگاه واقع در محل اجرای تعهد شرکت یا اشخاص ثالث. لیکن در خصوص تناقض ماده ۵۹۰ قانون تجارت و ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی باید دید که کدام یک از محل‌های مندرج در این دو ماده را اقامتگاه شخص حقوقی دانست. مرکز اصلی شخص حقوقی براساس ماده ۵۹۰ مرقوم یا مرکز عملیات مقرر در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی، زیرا که این دو اصطلاح مفهوم کاملاً متفاوت و متمایز از یکدیگر دارند. مرکز اصلی شخص حقوقی محلی است که در آن نهادهای تصمیم‌گیرنده و اداره‌کننده شرکت انجام وظیفه می‌کنند و مرکز عملیات محل بهره‌برداری است یعنی محلی که فعالیت شرکت (استخراج، تولید ...) در آنجا جریان دارد

که ممکن است با محل وقوع اداره متفاوت باشد. در این باره نظرات متفاوتی توسط نویسندگان و صاحب‌نظران حقوقی مطرح شده است عده‌ای بر این باورند که: «چون قانون مدنی پس از قانون تجارت وضع شده است و با آن در خصوص اقامتگاه شخص حقوقی تفاوت دارد باید قانون مدنی را در این مورد ناسخ قانون تجارت بدانیم و بگوئیم در حقوق امروز اقامتگاه اشخاص حقوقی مرکز عملیات آنهاست»^۱ اما نظر اکثر حقوقدانان این است که اقامتگاه شرکت‌های تجاری به تبعیت از قانون تجارت بنابر دلایل ذیل، محل اداره شرکت است.^۲

الف- اصل این است که قانون عام، قانون خاص را نسخ نمی‌کند، مگر آنکه قانون عام به صراحت به نسخ قانون خاص اشاره کرده باشد. در ماده ۱۰۰۲ قانون مدنی چنین تصریحی وجود ندارد بنابراین اقامتگاه شرکت‌های تجاری را باید همان دانست که در قانون تجارت آمده است.

ب- ماده اول قانون ثبت شرکت‌ها (مصوب ۱۳۱۰) مقرر می‌دارد: «هر شرکتی که در ایران تشکیل و مرکز اصلی آن در ایران باشد، شرکت ایرانی محسوب می‌شود» طبق این ماده برای تعیین تابعیت ایرانی یا خارجی شرکت، مرکز اصلی ملاک است، نه مرکز عملیات. وقتی این نکته را در نظر داشته باشیم که تابعیت شرکت‌ها با اقامتگاه آنها مرتبط است (ماده ۵۹۱ قانون تجارت) از قانون ثبت شرکت‌ها چنین استنباط می‌شود که قانون‌گذار مرکز اصلی و اقامتگاه را یکی دانسته و به عبارت دیگر، اقامتگاه شرکت و محل مرکز اصلی آن یکی است^۳ به هر حال بر این اصل که اقامتگاه شرکت تجاری محل اداره یا مرکز اصلی آن است يك استثناء وارد است و آن راجع به طرح دعاوی علیه شرکت است همان‌طور که می‌دانیم، مطابق اصلی کلی، هر دعوایی باید در دادگاه محل اقامت خوانده

۱. شایگان، علی، *حقوق مدنی*، ج ۳، ش ۳۴۹.

۲. ستوده تهران، حسن، *حقوق تجارت*، ج ۱، ص ۱۸۲ و نصیری، مرتضی، *حقوق چند ملیتی*، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷.

۳. اسکینی، ربیعا، *حقوق تجارت*، ج اول، ص ۶۷.

مطرح شود اما ماده ۲۳ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به نحو استثناء مقرر نموده که بعضی از دعاوی علیه شرکت را می‌توان در محل دیگری غیر از اقامتگاه شرکت طرح کرد و اگر شرکت دارای شعب متعدد باشد، دعاوی برخاسته از تعهدات هر شعبه با اشخاص خارج باید در محل دادگاهی که شعبه طرف معامله در آن واقع است اقامه شود. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اصل بر این است که دعوی باید در اقامتگاه شرکت طرح شود، مگر آنکه دعوی علیه شعبه شرکت باشد که در این صورت تا شعبه وجود دارد، دعوی علیه شعبه مطرح می‌شود و اگر شعبه برچیده شده باشد دعوی را می‌توان علیه شرکت و در مرکز اصلی آن مطرح کرد.^۱

در حقوق داخلی علی‌الخصوص حقوق ثبت و آئین دادرسی مدنی، موضوع اقامتگاه دارای نقش برجسته‌ای می‌باشد.

در تبصره ۳ ماده ۳۴ قانون ثبت،^۲ ضمن ایجاد تکلیف از حیث ضرورت درج اقامتگاه متعاملین در سند، و ارسال اجرائیه به نشانی متعهد (اقامتگاه قراردادی) جهت ابلاغ اجرائیه و عملیات اجرایی، متعاملین را نیز مکلف نموده که در صورت تغییر اقامتگاه قبل از صدور اجرائیه، مراتب را به دفترخانه (و در صورت صدور اجرائیه) قبل از ابلاغ به اداره اجرا، اطلاع دهند. در غیر این صورت، نشانی مندرج در سند به عنوان اقامتگاه قراردادی محسوب شده و

۱. شایگان، سید علی، حقوق مدنی، ج ۱.

۲. تبصره ۳ ماده ۳۴ قانون ثبت: در کلیه اسناد رسمی بایستی اقامتگاه متعاملین به طور وضوح در سند قید شود. اقامتگاه متعاملین همان است که در سند قید شده و مادام که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجرائیه به دفترخانه و قبل از ابلاغ به اجرا با نشانی صحیح و ذکر شماره پلاک محل اقامت اعم از خانه و مهمانخانه و غیره که بتوان اجرائیه را به آن جا ابلاغ کرد اطلاع ندهند، کلیه برگ‌ها و اختاربه‌های اجرایی به محلی که در سند قید شده ابلاغ می‌شود و متعهد نمی‌تواند به عذر عدم اطلاع متعذر گردد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند پس از صدور اجرائیه مراتب را به آخرین نشانی متعهد از طریق پست سفارشی جهت ابلاغ اجرائیه و عملیات اجرایی به ثبت محل ارسال دارند. هرگاه محل اقامت متعهد در سند قید نشده و یا به جهات دیگر احراز محل اقامت میسر نباشد ثبت محل موضوع اجرائیه را به طور اختصار یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار محل یا نزدیک‌تر به محل، آگهی خواهد نمود. طرز ابلاغ برگ اجرایی و همچنین ترتیب انتشار آگهی به موجب آئین‌نامه وزارت دادگستری خواهد بود.

کلیه اوراق اجرایی به محلی که در سند قید شده، ابلاغ می‌شوند.

ماده ۶ آئین نامه اجرایی مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر سابق قانون اصلاح قانون ثبت مصوب ۱۶ اردیبهشت ۵۲ وزارت دادگستری اشعار می‌دارد: « متعهد که اقامتگاه خود را تغییر می‌دهد باید دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می‌کند، حسب مورد به دفترخانه یا اجراء ثبت، تسلیم و رسید بگیرد. به اظهاراتی که متکی به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی اجاره و مانند آنها یا گواهی شهرداری یا ژاندارمری یا کدخدای محل در داخل کشور و کنسولگری و یا مأمورین سیاسی ایران در خارج کشور نباشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

البته مادتهای ۱۶ و ۱۷ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایات از عملیات اجرائی مصوب ۸۷/۶/۱۱، با پاره ای تغییرات جزئی همین موارد را بیان می‌نماید.

بی تردید ضرورت درج دقیق اقامتگاه در اسناد رسمی بر هیچ یک از همکاران ما پوشیده نمی‌باشد. چرا که در مواردی از قبیل ابلاغ اخطار در اسناد اجاره و یا در موارد عزل وکیل و یا ابلاغ اجرائیه‌ها به طور آشکاری اهمیت این موضوع احساس می‌گردد. لیکن آنچه که در این مبحث برای دفاتر اسناد رسمی حائز اهمیت است، موضوع چگونگی اعلام تغییر اقامتگاه از سوی احد از متعاملین (علی الخصوص از سوی متعهدین اسناد) می‌باشد.

با مذاقه در ماده ۶ آئین نامه ی اجرایی مواد ۳۴ و ۳۴ مکرر سابق قانون اصلاح قانون ثبت ... مصوب ۱۶/اردیبهشت ۱۳۵۲ و ماده ۱۷ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا ... مصوب ۸۷/۶/۱۱، در می‌یابیم که واضعین آنها در مقام بیان چگونگی و مکانیسم اعلام تغییر اقامتگاه به دفترخانه یا اجرا بوده اند.^۱

۱. ماده ۱۷ آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا مصوب ۸۷/۶/۱۱: متعهد مکلف است دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می‌نماید به دفترخانه یا اجراء تسلیم و رسید دریافت کند. به اظهاراتی که متکی به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی که دلالت بر تغییر اقامتگاه داشته باشد یا گواهی نیروی انتظامی محل در داخل کشور و کنسولگری یا مأمورین سیاسی ایران در خارج از کشور نباشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

در ماده ۱۷ آئین نامه...مصوب ۸۷/۶/۱۱، بدواً به ضرورت ارائه دلیل اقامت اشاره می‌نماید و سپس به دلیل کتبی و متعاقباً از باب تمثیل از سند رسمی و یا گواهی نیروی انتظامی نام می‌برد.

با عنایت به اینکه ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی از سند کتبی به عنوان یکی از دلایل در کنار سایر ادله اثبات دعوی نام برده و در ماده ۱۲۸۶ نیز سند را به سند عادی و رسمی تفکیک نموده، حال با توجه به ماده ۱۷ آئین‌نامه صدر الذکر، آیا منظور واضعین آئین نامه از ذکر دلیل کتبی، ارائه هرگونه سند اعم از عادی یا رسمی بوده است؟ به عبارت آخری چنانچه بدهکار سند رهنی با ارائه سند عادی اجاره به دفترخانه و اعلام نشانی مندرج در آن قصد تغییر اقامتگاه خود را نسبت به سند رسمی قبلی داشته باشد، آیا سردفتر مکلف به پذیرش درخواست وی بوده و حق ترتیب اثر دادن به تقاضای وی را دارد؟

به نظر می‌رسد که اراده و قصد واضعین ماده ۱۷ آئین نامه با توجه به ذکر تمثیلی سند رسمی یا گواهی نیروی انتظامی در داخل کشور و یا کنسولگری یا مأمورین سیاسی ایران در خارج از کشور از دلیل کتبی منحصرأ اسنادی در حد ارزش و اعتبار اسناد رسمی بوده است؛ چرا که در غیر این صورت امکان وجود هرگونه تالی فاسد و یا سوء استفاده از سوی متعهدین و یا بدهکاران اسناد محتمل است.

چه بسا افرادی که به قصد ایجاد اختلال و یا اطاله در پرونده اجرایی با مراجعه به دفترخانه و توسل به اسناد عادی اقدام به اعلام تغییر اقامتگاه خود نسبت به سند رسمی تنظیم شده می‌نمایند که بی شک در این صورت امکان ورود ضرر به متعهدله سند متصور می‌باشد.

مضافاً بر اینکه با توجه به درج اقامتگاه متعاملین در سند رسمی قطعاً تغییر و یا ارائه هرگونه دلیل و مدرک مخالف مندرجات آن نیز باید مستند به سند رسمی باشد و سند عادی یارای هم طرازی با سند رسمی را ندارد و لذا نباید از سوی دفاتر اسناد رسمی در مواردی از این دست مورد ترتیب اثر قرار گیرد.

با عنایت به موارد فوق و توجهاً به موضوع اهمیت درج کد پستی در اسناد (هم طراز با

کد ملی) که اخیراً حتی به صورت قانون امره تصویب گردیده و به نحوی بیانگر تأکید قانون گذار بر شفاف سازی موضوع اقامتگاه در کنار مشخصات هویتی افراد (از جمله کد ملی) می‌باشد، به ارزش و نقش موضوع اقامتگاه واقف می‌گردیم. کما اینکه در حقوق فرانسه نیز یکی از مهم‌ترین اطلاعات مربوط به هویت هر شخص تعیین اقامتگاه وی می‌باشد. جمله لاتینی معروفی بین تجار اروپایی وجود دارد که می‌گوید: «احساس امنیت خواهیم نمود هرگاه بدانیم که در هر زمان طرف قرارداد خود را کجا پیدا کنیم»^۱

چه بسا قراردادهایی که در کشور ما بین اشخاص، اعم از حقیقی یا حقوقی به طور رسمی یا عادی منعقد می‌گردد که به دلیل عدم تعیین و یا درج دقیق اقامتگاه طرفین و یا تغییر آنها و عدم اطلاع این موضوع به طرف دیگر در زمان بروز اختلاف از حیث اجرا و یا در دادرسی دچار اختلال و یا اطاله می‌گردد.

لذا ضروری است نه تنها این موضوع در اسناد رسمی، بلکه در اسناد عادی که از سوی حقوقدانان و وکلا و ادارات حقوقی سازمان‌ها و نهادها که مبادرت به تنظیم قرارداد بین اشخاص می‌نمایند، به خوبی مورد توجه قرار گیرند. ضمن اینکه موضوع تغییر اقامتگاه مندرج در ذیل اوراق نیم برگی و یک برگی نیز مورد تجدید نظر قرار گیرد.

فهرست منابع

- کاتوزیان، دکتر ناصر؛ *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*، تهران، نشر میزان، زمستان

۸۱، چ هفتم، ص ۶۲۶

- مجله کانون، شماره ۵۳

- <http://www.dadkhahi.net>

- <http://www.fa.wikipedia.org>

- <http://www.isu.ac.ir/publication/research-quarterly>

۱. غمامی، سید محمد مهدی، *بررسی مفهوم اقامتگاه در حقوق مدنی فرانسه*، مجله کانون شماره